

## بررسی و نقد کتاب تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی

مصطفی حسینی\*

### چکیده

تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی نوشته حسن جوادی از منابع درس کلیات ادبیات تطبیقی است. این کتاب نفوذ و تأثیر ادبیات پارسی در ادبیات انگلیسی را، از اواخر سده‌های میانه تا پایان قرن بیستم میلادی، بررسی و تحلیل می‌کند. کتاب حاضر در چهارچوب ادبیات تطبیقی، به ویژه مکتب فرانسوی، قرار می‌گیرد، زیرا جوادی براساس منابع معتبر و درجه اول تک تک این موارد را برشمرده و شواهد و مستندات کافی عرضه کرده است. از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی مکتب تطبیقی فرانسوی، بررسی روابط ادبی، به ویژه اثرگذاری و اثرپذیری نویسندگان و شاعران، در زبان و ادبیات کشورهای گوناگون است. مقاله حاضر به بررسی این کتاب در قلمرو ادبیات تطبیقی می‌پردازد و سه بخش اصلی دارد: بخش اول اثر و نویسنده آن و جایگاه این کتاب را در مقایسه با کتاب‌های مشابه معرفی می‌کند و نقاط قوت و ضعف آن را مشخص می‌کند. بخش دوم درباره تحلیل صوری کتاب است و نواقص و کاستی‌های آن را برمی‌شمرد و بخش سوم به تحلیل محتوایی این کتاب می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات انگلیسی، ادبیات تطبیقی، ادبیات فارسی، اثرگذاری و اثرپذیری، جوادی.

### ۱. مقدمه

ادبیات کلاسیک پارسی از قدیمی‌ترین و توان‌گرتین ادبیات‌های مشرق‌زمین، به ویژه در حوزه شعر، است. پرواضح است که این ادب دیرینه‌سال و غنی طی تاریخ درازش با ادبیات

\* استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، mhosseini@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۸

کشورهای دور و نزدیک ارتباط داشته و در بارور و توان‌گر کردن آن‌ها نقش مهمی ایفا کرده است. در این جستار، سخن بر سر کتاب *تأثیر ادبیات پارسی در ادبیات انگلیسی* نوشته حسن جوادی است که به بررسی نفوذ و تأثیر ادبیات پارسی در ادبیات انگلیسی از اواخر سده‌های میانه تا پایان قرن بیستم میلادی می‌پردازد. کتاب حاضر حاصل پنج‌دهه تحقیق و تتبع در ادبیات پارسی و انگلیسی است. به تعبیر بزرگ علوی، «جست‌وجو در دریای عظیم ادبیات انگلیسی و کشف مرواریدهای زبان فارسی در قعر آن وظیفه دشواری بوده که دکتر جوادی به‌عهده گرفته و موفق شده است» (علوی ۱۳۶۶: ۵۳۳). کم‌تر مقاله یا کتاب شایسته‌ای در این زمینه وجود دارد که از چشمان تیزبین وی دور مانده باشد. تحقیق جوادی یک‌سره براساس منابع معتبر و درجه اول استوار است.

بی‌تردید، *تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی در زمره آثار درخشان حوزه ادبیات تطبیقی (انگلیسی - فارسی)* است. گستره این تحقیق پنج قرن را در بر می‌گیرد. بررسی نفوذ و تأثیر ادبیات پارسی در ادبیات انگلیسی از اواخر سده‌های میانه، وقتی که انگلیسی‌ها به‌کمک زبان‌های واسطه تصویری خیالین، سطحی، و غیرواقعی از ایرانیان و ادبیات پارسی داشتند تا پایان قرن بیستم آن‌گاه که پس از فراگیری زبان فارسی و سفر به ایران به تصویری دست‌اول، واقعی‌تر، و عمیق‌تر دست یافتند، محور اصلی مباحث کتاب است. این کتاب مقدمه‌ای کوتاه، هشت فصل اصلی، تصاویر، کتاب‌شناسی گزیده، و نمایه اعلام دارد. عناوین فصول اصلی عبارت‌اند از نخستین برداشت‌ها؛ ایران‌شناسی و رمانتیک‌های انگلیسی؛ ایران و رمانتیک‌ها؛ سیاحان و رمان‌نویسان؛ شاعران ایران در ادبیات انگلیس؛ یک قرن گسترش رشته‌های مختلف ایران‌شناسی؛ شاعران نیمه دوم قرن نوزدهم و بیستم؛ و مطالعات انگلیسی در باب ادبیات فارسی در قرن بیستم. هدف از این تقسیم‌بندی به‌دست‌دادن تصویری ملموس‌تر و جزئی‌تر از شناخت تدریجی انگلیسی‌ها از مردم ایران، روش زندگی آنان، فرهنگ، و به‌ویژه ادبیات پارسی است.

## ۲. معرفی اثر و نویسنده

کتاب *تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی* در اصل رساله دکتری حسن جوادی است که در اوایل دهه ۱۹۶۰ م در دانشگاه کیمبریج با نظارت سه استاد ممتاز آ. ج. آبربی، ولادیمیر مینورسکی، و ریموند ویلیامز به زبان انگلیسی نوشته شده است. این رساله اولین بار در سال ۱۹۸۳ م در کلکته و سپس در سال ۲۰۰۵ م در کالیفرنیا به صورت کتاب و با عنوان *تأثیر*

ادبیات فارسی بر ادبیات انگلیسی با تکیه بر قرن نوزده منتشر شد. نویسندگان «مقادیر بسیاری از تحقیقات جدید را که طی چهل سال گذشته انجام شده» (جوادی ۱۳۹۶: ۲) بر تحریر فارسی کتاب افزوده است. افزوده‌های نویسنده بر اصل انگلیسی عبارت است از «فصل‌های ششم، هفتم، هشتم، و بخش آخر فصل پنجم. بدین ترتیب، ایران‌شناسی در نیمه دوم قرن نوزدهم و قرن بیستم به تفصیل شرح داده شده و آثار ادبی که در قرن بیستم از ادبیات ایران ملهم بوده مورد بحث قرار گرفته است» (همان: ۳). بنابراین، این اثر به‌واقع صورت گسترش یافته و بازبینی شده رساله دکتری و برخی از مقاله‌های قبلی جوادی و در مجموع حاصل یک عمر تلاش مستمر او در این حوزه است. بی‌گمان، تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی گامی است بلند و استوار در حوزه ادبیات تطبیقی انگلیسی - پارسی و یادآور از سعدی تا آراگون، اثر سترگ و ارجمند جدیدی در حوزه ادبیات تطبیقی فرانسه - پارسی.

از آثار متعدد جوادی می‌توان به *ایران از دید سیاحان اروپایی* (۱۳۷۸)، *تاریخ طنز در ادبیات فارسی* (۱۳۸۴)، *ادوارد براون و ایران* (۱۳۹۶) اشاره کرد. *گذری به هند* (۱۳۴۷)، *بازچاپ* (۱۳۹۴)، *تاریخ ادبیات آمریکا* (۱۳۵۵)، *بازچاپ* (۱۳۷۲)، *عقل و وحی در اسلام* (۱۳۵۸)، *نامه‌هایی از تبریز* (۱۳۵۱)، *بازچاپ* (۱۳۶۱ و ۱۳۸۷)، *سه سفرنامه* (۱۳۹۴) در عداد ترجمه‌های او از انگلیسی به فارسی است. جوادی هم‌چنین، با همکاری برخی از مترجمان، آثاری را از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده است: *دندیل داستان‌هایی از زندگی ایرانی اثر غلامحسین ساعدی* (۱۹۸۰)، *سوترا و داستان‌های دیگر اثر سیمین دانشور* (۱۹۹۴)، *رساله اخلاق الاشراف عبید زاکانی و دیگر آثار طنز آمیز او* (۲۰۰۵)، *تولد دیگر و دیگر اشعار فروغ فرخزاد* (۲۰۱۰)، *معایب الرجال و تأدیب النسوان به انگلیسی* (۲۰۱۰). هم‌چنین در دانشگاه‌هایی چون تهران، کیمبریج، و برکلی تدریس و تحقیق کرده است.

### ۳. تحلیل صوری اثر

کتاب تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی در قطع وزیری مشتمل بر ۶۰۷ صفحه و با کیفیت چاپ و صفحه‌آرایی متوسطی منتشر شده است، اما نه تنها در مقایسه با کتب خارجی، بلکه حتی در مقایسه با برخی از کتاب‌هایی که برخی ناشران داخلی با کاغذ نازک، جلد گالینگور، و قلم مناسب منتشر می‌کنند کیفیت نازل‌تری دارد. جلد کتاب طراحی خاص و چشم‌نواز و جذابی ندارد. بی‌تردید، به‌کمک هنرمند خوش‌ذوق و کاردان می‌توان طرح جلد چشم‌گیر و جذاب و خواننده‌پسندی، برای کتابی که به پل ارتباطی شرق و غرب

می‌پردازد، طراحی کرد و از این ره‌گذار نگاه خوانندگان را به کتاب جلب کرد. در مجموع، با اندکی تسامح، می‌توان شکل ظاهری کتاب را مناسب و مقبول تلقی کرد.

با این‌که غلط‌های مطبعی در کتاب‌های فارسی دیده می‌شود، تعداد اغلاط مطبعی در این اثرِ سترگ بسیار اندک است و این امر درخور تقدیر است. تا آن‌جا که نگارنده این مقاله بررسی کرده است، اغلاط مطبعی کتاب حاضر شش مورد است که عبارت است از «چارلز» (چارلز) (جوادی ۱۳۹۶: ۳۷)، «اعتزاز» (اعتذار) (همان: ۱۴۱)، «منسوب» (منسوب) (همان: ۱۷۱)، «ابیات» (ادبیات) (همان: ۲۸۴)، «کالیسیدا» (کالیداس) (همان: ۳۷۴)، و «مجله فریز» (فریزر) (همان: ۲۹۶).

در متن کتاب، کلمه‌ها و عبارت‌های ترجمه‌نشده‌ای دیده می‌شود که به همان شکل لاتین یا انگلیسی به خواننده فارسی‌زبان عرضه شده است. بی‌تردید، این موضوع برای برخی از خوانندگان مشکل‌ساز است. به نظر می‌رسد که برای سهولت خواندن کتاب، برابرنهادهای فارسی آن‌ها نیز بهتر بود که درج می‌شد. البته، تعداد این موارد انگشت‌شمار است. از این رو، در ابتدا، اصل انگلیسی و لاتین (یک مورد) این موارد ذکر می‌شود و سپس معادل فارسی آن‌ها آورده می‌شود؛ the opus majus (شاهکار، اثر بزرگ) (جوادی ۱۳۹۶: ۱۶)، persian Song (سرود پارسی) (همان: ۱۱۴)، barmaid (ساقی زن) (همان: ۱۲۱)، regency (تحت‌الحمایگی) (همان: ۱۳۵)، in memorium (به یادبود) (همان: ۳۲۶)، transcreation (بازآفرینی) (همان: ۵۲۸).

امروزه، نمایه‌اعلام لازمه هر کتابی است و برای کتابی با این حجم عظیم ضرورت دارد. نمایه کتاب حاضر (همان: ۶۰۱ - ۶۰۷) کامل و دقیق نیست، افزون بر آن سهوهایی هم دارد؛ مثلاً عناوین تمامی کتاب‌ها و آثار ادبی را در بر نمی‌گیرد و شماری از اعلام در نمایه ذکر نشده‌اند؛ مثلاً «[جفری] چاسر» (همان: ۷، ۱۱)، «کونان» (همان: ۴۳)، «کونانت» (همان: ۴۷)، «فرانسیس [گلاوین]» (همان: ۹۶ - ۹۷)، «مری شلی» (همان: ۱۴۸)، «مرضیه گیل» (همان: ۲۰۷)، «الدوس رایت» (همان: ۲۹۹ - ۳۰۰)، «فرانسیس جوزف [اشتینگاس]» (همان: ۴۳۰). دیگر این‌که برخی از نمایه‌ها ناقص است. مثلاً «دیویس، دیک» (همان: ۲۳۳، ۵۸۰) (همان: ۶۰۴)، درحالی‌که علاوه بر صفحات مذکور نام او در این صفحات ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۱ نیز ذکر شده است. افزون بر این، ضبط‌های دوگانه و نادرست در نمایه نیز مشکل‌ساز شده است. مثلاً «رایستاک، ادوارد» (همان: ۳۱۷)، «رهاتسک، ادوارد» (همان: ۳۶۶ - ۳۶۷)، و «لؤلؤ، پروین» (همان: ۶۰۶) به جای «پروین»

لؤلؤیی». «دربلو، بارتلمی» در مدخل «ب» و بدین شکل «بارتلمی، دربلو» آمده (همان: ۶۰۲)، و «جیمز هنری لی هانت» بدین شکل «لی هانت، جیمز هنری» (همان: ۵۰۵) و بدین صورت «هانت، لی» (همان: ۶۹۷) ذکر شده است و به جای Cowell, Edward پنج بار Cowell, George آمده است (همان: ۵۹۰).

از دیگر مشکلات صوری این اثر، نوشته پشت جلد آن است. در پشت جلد کتاب، نوشته شده است: «بزرگ علوی درباره چاپ دوم انگلیسی این کتاب نوشت [...]». این گفته نادرست است. شادروان بزرگ علوی در مجله *ایران نامه* (۱۳۶۶: ۵۲۹ - ۵۳۳) بر چاپ اول انگلیسی این کتاب (۱۹۸۳) نقدی نوشت. چاپ دوم انگلیسی کتاب حاضر در سال ۲۰۰۵ (کالیفرنیا، انتشارات مزدا) منتشر شد، حال آن که بزرگ علوی در سال ۱۹۹۷ به سرای باقی شتافته بود.

#### ۴. تحلیل محتوایی اثر

در باب تأثیر اسلام و ادبیات شرق (به ویژه پارسی، ترکی، هندی، و عربی) در ادبیات انگلیسی آثار گران قدر و محققانه بسیاری، مانند *قصه شرقی در انگلستان قرن هجده* (۱۹۰۸) تألیف م. پ. کانت، *تأثیر شرق بر ادبیات انگلیسی اوایل قرن نوزده* (۱۹۱۵) نوشته ماری میستر، *هلال و گل سرخ: اسلام و انگلستان در دروان رنسانس* (۱۹۳۷) تألیف سمونل چو، *اسلام در ادبیات انگلیسی* (۱۹۳۹) نوشته بایرن پورتر اسمیت، و *اسلام و شرق شناسی رماتیک* (۱۹۹۴) نوشته ف. م. محمود، نوشته شده است که گاه ممکن است فصلی هم به نفوذ ادبیات پارسی در ادبیات انگلیسی اختصاص یافته باشد.

درباره تأثیر ادبیات پارسی در ادبیات انگلیسی چندین اثر پرمحتوا به قلم تطبیق گران ایرانی و خارجی، به زبان های فارسی و انگلیسی و فرانسه، نوشته شده که عبارت است از *تأثیر ادبیات ایران در انگلستان قرن پانزده و شانزده میلادی* (۱۳۱۴ / ۱۹۳۵)، نوشته لطفعلی صورتگر؛ *پارس و مردمان ویکتوریا* (۱۹۵۱)، تألیف مرضیه گیل؛ *ایران و ایرانیان در ادبیات قرن شانزده، هفده، و هجده انگلستان* (۱۹۷۰)، نوشته منوچهر حقیقی؛ *افسانه ها و داستان های ایرانی در ادبیات انگلیسی؛ در سده های هجدهم و نوزدهم میلادی تا سال ۱۸۵۹* (۱۹۷۲)، تألیف کوکب صفاری، این کتاب رساله دکتری کوکب صفاری (صورتگر) است که در اصل به زبان فرانسه نوشته شده است. وی در سال ۱۹۷۲ از آن دفاع کرد و در سال ۱۳۵۷ آن را به فارسی ترجمه و منتشر کرد. به گفته نویسنده، «هدف این رساله نمایان ساختن

نفوذ مستقیم یا غیرمستقیمی است که افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی بر ادبیات انگلیسی قرن‌های هجدهم و نوزدهم اعمال کرده‌اند» (صفاری ۱۳۵۷: سه)؛ سیر فرهنگ ایران در بریتانیا یا تاریخ دویست‌ساله مطالعات ایرانی (۱۳۵۲/۱۹۷۳) نوشته ابوالقاسم طاهری، به گفته مؤلف «در این کتاب از سیر تحول دویست‌ساله فرهنگ، هنر و مظاهر ذوقی قوم ایرانی در جزایر بریتانیا سخن می‌رود» (طاهری ۱۳۵۲: ۱)؛ و شعر پارسی در انگلستان و آمریکا: تاریخ دویست‌ساله (۱۹۷۷)، اثر برجسته ج. د. یوحنان.

باین‌که برخی از آثار مذکور، به‌ویژه اثر ج. د. یوحنان، در زمره تحقیقات ممتاز در این حوزه به‌شمار می‌روند، هیچ‌یک جامعیت و وسعت کتاب جوادی را ندارند. جوادی در مقدمه چاپ دوم انگلیسی کتاب (۲۰۰۵) به این موضوع اشاره کرده است: «کتابی که از حیث موضوع و محدوده مانند کتاب تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی باشد وجود ندارد» (جوادی ۲۰۰۵: هفت). البته، کاملاً طبیعی است که بین این کتاب و کتاب‌های پیش‌گفته شباهت‌هایی هم دیده می‌شود، اما به گفته مؤلف (در چاپ دوم انگلیسی کتاب)، «از تکرار تحقیقات قبلی پرهیز کرده و غالباً به موضوعاتی پرداخته که از چشم محققان پیشین مغفول مانده است. دیگر آن‌که در مواردی که تحقیقات قبلی جامع بوده به اشاره‌ای اکتفا کرده و از آن گذشته است. افزون بر این، اگر تحقیقی درباره یک فرد یا مضمون مشابه وجود داشته، مؤلف کوشیده است که از منظری متفاوت بدان بنگرد» (همان: هفت).

از مطالب کتاب، خواننده درمی‌یابد که نویسنده برای نگاشتن این کتاب نخستین سفرنامه‌های مبلغان دینی و سیاحان، مجله‌ها و نشریه‌های ادواری، جُنگ‌ها و گزیده‌های ادبی، فعالیت‌های ادبی و زبان‌شناختی کمپانی هند شرقی، تحقیقات و فعالیت‌های کارگزاران انگلیسی در دوران تسلط بریتانیا بر هند، آثار سفیران و مستشرقان انگلیسی و آمریکایی و گاه فرانسوی و آلمانی، و آثار نویسندگان و شاعران آمریکایی و انگلیسی را با دقتی کم‌نظیر بررسی کرده است. افزون بر منابع انگلیسی و فارسی، جوادی به لطف تسلط بر زبان ترکی و فرانسه گه‌گاه (برای نمونه، بنگرید به جوادی ۱۳۹۶: ۴۱۲) از منابع نوشته‌شده بدین زبان‌ها نیز بهره برده است. به جز این‌ها، مؤلف در برخی از فصول کتاب علاوه بر مستشرقان انگلیسی به عده‌ای از شرق‌شناسان برجسته اروپایی، مانند یوزف فن هامر پورگشتال و آنکتیل دو پرون، که بر روند شرق‌شناسی در انگلستان اثرگذار بوده‌اند، نیز نقبی می‌زند. مثلاً، در فصل دوم به نقش پیش‌گامانه مستشرق برجسته فرانسوی، آنکتیل دو پرون، مترجم اوستا، اشاره می‌کند (همان: ۸۱).

تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی در چهارچوب ادبیات تطبیقی به ویژه مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی قرار می‌گیرد. تطبیق‌گران فرانسوی ادبیات تطبیقی را زیرشاخه‌ای از تاریخ ادبیات محسوب می‌کردند و در آغاز بیش‌تر به روابط ادبی میان زبان و ادبیات کشورهای مختلف اروپایی، به ویژه فرانسه، می‌پرداختند. به بیان دیگر، بررسی و مطالعه اثرگذاری و اثرپذیری را در کانون مطالعات ادبیات تطبیقی می‌دانستند. به گفته سیمون ژون، تطبیق‌گر معروف فرانسوی، «ادبیات تطبیقی اصولاً به مطالعه تأثیر و تأثر بین نویسندگان یا ادبیات ملل متفاوت و نشر آن می‌پردازد» (پراور ۱۳۹۳: ۵۳). بررسی و مطالعه اثرگذاری و اثرپذیری یکی از چالش‌برانگیزترین و وسیع‌ترین حوزه‌های ادبیات تطبیقی است و تطبیق‌گر برای نشان‌دادن این اثرگذاری و اثرپذیری باید مستندات کافی و مجاب‌کننده در اختیار داشته باشد.

کتاب حاضر چنان‌که از نام آن دانسته می‌شود، به تأثیرپذیری ادبیات انگلیسی از ادبیات پارسی می‌پردازد. شایان ذکر است که جوادی نه تنها به تأثیر شاعران و نویسندگان پارسی در شاعران و نویسندگان اشاره می‌کند، بلکه به تأثیر فرهنگ و تمدن و ادب غنی پارسی در ادبیات انگلیسی، از سده‌های میانه تا قرن بیستم، نیز می‌پردازد. هم‌چنین، جوادی در بسیاری از موارد صرفاً به اشاره به آثار بسنده نمی‌کند، بلکه هرگاه از اثری نام می‌برد، محتوای آن را تاحدی شرح می‌دهد (برای نمونه، درباره لاله‌رخ، نوشته تامس مور، بنگرید به جوادی ۱۳۹۷: ۱۲۲ - ۱۳۶).

طی مطالعه این کتاب نفیس و ارزنده، کاستی‌هایی دریافت شد که در دو بخش اصلی نکات اصلاحی و نکات تکمیلی در این مقاله به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

## ۱.۴ نکات اصلاحی

### ۱.۱.۴ ضبیط‌های دوگانه و چندگانه

مترجم برای یک اسم یا عنوان خاص ضبیط‌های مختلفی به کار برده است. بهتر است برای اجتناب از سردرگمی خواننده از ضبیط مشهور و درست و واحدی استفاده شود. درابتدا، ضبیط‌های دوگانه و گاهی چندگانه ذکر می‌شود. سپس، ضبیط‌های پیش‌نهادی ارائه خواهد شد: «آشیل . . . ایرانیان» (جوادی ۱۳۹۷: ۷) و «آخیلوس . . . پارسی‌ها» (همان: ۳۳)؛ «کونان» (همان: ۴۳)، «کونانت» (همان: ۴۷)؛ «روبن لیوی» (همان: ۴۵)، «روبن لوی» (همان: ۲۳۳)؛ «شرح‌هایی بر شعر آسیایی» (همان: ۷۳)، «تفسیری بر اشعار آسیایی» (همان: ۸۰)؛ «تقلیدی از عربی» (همان: ۷۷)، «تقلید از عربی» (همان: ۱۴۸)؛ «سر هانری

لایارد» (همان: ۸۴)، «سر هنری لایارد» (همان: ۳۵۱)؛ «جرج گروتوفند» (همان: ۸۷)، «جرج گروتوفند» (همان: ۳۵۰)؛ «فرهنگ شرقی» (همان: ۱۱۲)، «فرهنگ بزرگ دربلو» (همان: ۱۳۷)، «دایرةالمعارف دربلو» (همان: ۱۴۴)؛ «دریانورد فرتوت» (همان: ۱۱۷)، «دریانورد پیر» (۱۵۲)؛ «تصاویری از ایران» (همان: ۱۷۱)، «تصویرهایی از ایران» (همان: ۱۷۲)؛ «ژوئن»، «ژوئیه» (همان: ۲۷۸)، «جون» (همان: ۲۸۰)؛ «لوکرسیوس» (همان: ۲۸۱)، «لوکریشس» (همان: ۳۰۷)؛ «ادوارد رایستاک» (همان: ۳۱۷)، «ادوارد رها تسک» (همان: ۳۶۶ - ۳۶۷)، «[ادوارد] رها تسک» (همان: ۳۷۳)؛ «گادوین» (همان: ۳۱۸)، «گلادوین» (همان: ۹۶ - ۹۷)؛ «لانگلیو» (همان: ۴۱۱)، «لانگفلو» (همان: ۴۱۱ - ۴۱۶)؛ «گزیده‌های عمده از رومی» (همان: ۵۰۵)، «آثار اصلی رومی» (همان: ۵۱۴، ۵۱۶)؛ «باغی آن سوی بهشت» (همان: ۵۲۹)، «باغی ماورای بهشت» (همان: ۵۳۱). ضبط‌های پیش‌نهادهای عبارت است از «آیسخلوس . . . پارسیان»، «کاننت»، «روبن لوی»، «شرح‌هایی بر اشعار آسیایی»، «از عربی»، «سر هنری لایارد»، «گئورگ گروتوفند»، «کتاب‌خانه شرقی»، «ترانه ملوان کهن»، «تصاویری از ایران»، «ژوئن»، «لوکرتیوس»، «ادوارد رها تسک»، «گلدوین»، «لانگفلو»، «لب‌لباب مثنوی»، و «باغی فراسوی بهشت».

#### ۲.۱.۴ بی‌توجهی به ضبط اشهر

یکی از نکاتی که از آغاز تا پایان کتاب به چشم می‌خورد، بی‌توجهی مؤلف یا مترجم به ضبط اشهر عناوین کتاب‌ها، مکان‌ها، و افراد است. بدیهی است که این امر باعث گم‌راهی ذهن خوانندگان می‌شود. نخست ضبط‌های نامشهور و نامأنوس با ذکر شماره صفحه آورده می‌شود. سپس، ضبط‌های مشهور و مأنوس آن‌ها ارائه خواهد شد؛ «ایرانی‌ها» (جوادی ۱۳۹۷: ۸)، «پارس‌ها یا پارسیان»؛ «داستان‌های کتربوری» (همان: ۱۱)، «حکایات یا قصه‌های کتربری (بنگرید به مینوی ۱۳۸۳)؛ «تولدو» (جوادی ۱۳۹۷: ۱۹)، «طلیطله»؛ «تاریخ رسالس» (همان: ۴۸)، «داستان راسلاس، شهزاده حبشه»؛ «جنشس» (همان: ۵۵)، «ژانتیوس»؛ صص. ۱۱۹-۱۲۰ «زوال و سقوط امپراتوری رم» (همان: ۱۱۹ - ۱۲۰)، «تاریخ انحطاط و سقوط امپراطوری روم»؛ «فرانکشتین» (همان: ۱۴۲)، «فرانکشتاین»؛ ۱۴۸ «تیس» (همان: ۱۴۸)، «تیس، تب، تباي؛ «ادبیات دنیا» (همان: ۱۵۵)، «ادبیات جهان»؛ «حماسه‌سرایی در ایران» (همان: ۲۳۱)، «حماسه ملی ایران»؛ «آیاتکار زیریران» (همان: ۲۳۲)، «یادگار زیریران»؛ «حماسه و خدعه» (همان: ۲۳۹)، «حماسه و آشوب»؛ «کالیسیدا» (همان: ۳۷۴)، «کالیداس»؛ «عاشق خانم چترلی» (همان: ۳۶۶)، «فاسق لیدی چترلی»؛ «شیراز شهر عارفان و شاعران»



(همان: ۴۸۵)، شیراز: مهد شعر و عرفان؛ «پنجاه شعر از حافظ» (همان: ۴۸۷)، پنجاه غزل از حافظ: فارسی - انگلیسی.

#### ۳.۱.۴ ضبط‌های نادرست و نامأنوس

در سراسر کتاب گه‌گاه ضبط‌های نادرست و ناقص و نامأنوسی آورده شده که برای خواننده غریب است. نخست ضبط‌های نادرست و ناقص و نامأنوس به همراه شماره صفحه موردنظر ذکر می‌شود. سپس، ضبط‌های درست و جافتاده آن‌ها می‌شود: «رابرت ساتی» (جوادی ۱۳۹۷: ۳)، رابرت ساذی / ساوژی؛ «ساموئل چیو» (همان: ۲۹)، ساموئل چو؛ «روبن لیوی» (همان: ۴۵)، روبن لوی؛ «هانری لایارد» (همان: ۸۴)، هنری لیارد؛ «جرج گروتوفند» (همان: ۸۷)، گئورگ گروتوفند؛ «ویلیام وردث‌ورث» (همان: ۱۵۸)، ویلیام وردزورث؛ «جرالد کاردوگان» (همان: ۱۷۱)، هنری کادوگان؛ «ایتالو پیتزی» (همان: ۲۱۸)، ایتالو پیزی؛ «سر ادموند گوس» (همان: ۲۳۲)، سر ادموند گاس؛ «بیزل رابنس» (همان: ۲۳۳)، بزل ویلیام رابینسن؛ «ژاک ون والنبورگ» (همان: ۲۴۲)، ژاک فن والنبورگ؛ «ریچارد اشتروس» (همان: ۲۴۳)، ریشارد اشتروس؛ «فردریک روزن» (همان: ۲۴۸)، فریدریش روزن؛ «فردریک اوگوستین تلوک» (همان: ۲۴۸) فریدریش اگوستین تلوک؛ «اسماعیل یگانی» (همان: ۲۸۳)، اسماعیل یگانی؛ «ویلیام الدوس رایت» (همان: ۲۹۹)، ویلیام الدیس رایت؛ «الیزابت آلدن کرتیس» (همان: ۳۱۰)، الیزابت آلدن کرتیس؛ «جری کلینتون» (همان: ۳۳۳)، جروم کلینتن؛ «تایراسایس» (همان: ۴۰۲)، تایریسیس؛ «هنری وردث‌ورث لانگفلو» (همان: ۴۱۱)، هنری وادزورث لانگفلو؛ «بیزل بانتینگ» (همان: ۴۲۹)، بزل بانتینگ؛ «اشتینگاس» (همان: ۴۳۰)، [فرنسیس جوزف] استینگاس؛ «کارلس ویلیامز کارلوس» (همان)، ویلیام کارلوس ویلیامز؛ «کارلس ویلیامز کارلوس» (همان)، کارلوس ویلیامز کارلوس؛ «وولرز» (همان)، [یوهان آگوست] فولرس؛ «لوئیس ژوکوفسکی» (همان)، لوئیس زوکوفسکی؛ «سیما آدلایان» (همان: ۴۳۳)، سیما آدادایان؛ «Ezra Pound: Man and Poet»، «Basil Bunting: Man and Poet»؛ «آرتور والی» (همان: ۴۳۹)، آرتور ویلی؛ «پروین لؤلؤ» (همان: ۴۴۶، ۵۳۸)، پروین لؤلویی؛ «النفاری» (همان: ۴۷۶)، النفری.

#### ۴.۱.۴ بوی ترجمه و فارسی ناصحیح

در برخی از صفحات کتاب، خواننده به عبارات و جملاتی برمی‌خورد که بوی ترجمه می‌دهند یا چندان فصیح و روان نیستند. بدیهی است که چنین عبارات و جملاتی به روانی،

خوش خوانی، و یک‌دستی کتاب لطمه می‌زند. بی‌تردید، ویراستاری کاردان و پرحوصله و دل‌سوز به‌آسانی می‌توانست این موارد را اصلاح کند. گمان می‌رود که در برخی از این موارد مترجم تحت تأثیر نحو انگلیسی بوده است. در این بخش، نخست جمله نویسنده و سپس در داخل پرانتز جمله پیش‌نهادی آورده شده است؛ «البته تأثیر فاوست گوته هم، که بایرون آن را در ترجمه انگلیسی خوانده بود، در مانفرد مشهود است» (جوادی ۱۳۹۷: ۱۴۲)، (که بایرن ترجمه انگلیسی آن را خوانده بود)؛ «ناپلئون می‌خواست ایران را در بازگرفتن گرجستان یاری کند و قصد حمله به هند را هم داشت» (همان: ۱۶۳)، (ایران را در پس‌گرفتن/ بازپس‌گیری گرجستان یاری کند)؛ «و آن‌ها را جزو عادیات زندگی می‌داند و البته از آن‌ها نتیجه اخلاقی می‌گیرد» (همان: ۲۴۵)، (جزو امور روزمره زندگی)؛ «چون ترجمه اشعار یک شاعر چند قرن پیش ایرانی بود، اشکال به وجود نمی‌آورد» (همان: ۲۸۲)، (چون ترجمه اشعار یک شاعر پارسی چند قرن پیش مشکل‌ساز نبود)؛ «فیتزجرالد در منظومه اپیکوری خود برای این‌که تصویری روشن از خیام به دست دهد، نمادینه‌ترین رباعیات او را انتخاب کرده» (همان: ۲۸۵ - ۲۸۶)، (فیتزجرالد در منظومه اپیکوری خود برای این‌که تصویری روشن از خیام به دست دهد، نمادینه‌ترین رباعیات او را انتخاب کرده)؛ «گنجشکی زنده بهتر است از عقابی که خشکانیده شده باشد» (همان: ۲۹۱)، (گنجشک زنده به که عقاب مرده)؛ «در این میان، عنصر سوم که احتمالاً نشئت‌گرفته از خاطره توده مردم از ضرب‌المثل‌هاست» (همان: ۳۱۲)، (برگرفته از/ مأخوذ از خاطره توده مردم)؛ «با مطالعه و یادگرفتن زبان اهالی و فرهنگ آن‌ها بهتر می‌توان آن‌ها را در تبعیت نگاه داشت» (همان: ۳۴۸)، (... آن‌ها را تحت‌سلطه/ نظارت نگاه داشت)؛ «دنیس راس دانشجویان برجسته خود را نیز به مدرسه زبان‌های شرقی و آفریقایی جلب کرد» (همان: ۳۸۳)، (دنیس راس توجه دانشجویان برجسته خود را نیز به مدرسه زبان‌های شرقی و آفریقایی جلب کرد/ سوق داد)؛ «اگر تیسون یادگرفتن زبان فارسی را ادامه نداده باشد هم اطلاعات او درباره شاعران بزرگ ایران نظرگیر بود» (همان: ۳۹۹)، (حتی اگر تیسون یادگیری زبان فارسی را ادامه نداده باشد، باز هم اطلاعات او درباره شاعران بزرگ ایران نظرگیر بود)؛

«ازرا پاوند را، چند سال پیش از این، بانتینگ با شعر فارسی آشنا ساخته بود» (همان: ۴۳۰)، (بانتینگ، چند سال پیش از این، ازرا پاوند را با شعر فارسی آشنا کرده بود)؛ «از تحقیقات او درباره ویس و رامین در تصحیح مجتبی مینوی و ترجمه بسیار خوب دیک دیویس استفاده شده است» (همان: ۴۹۲)، (حرف اضافه «در» اضافه است)؛ «تصوف و عرفان اسلامی که در دست‌رس‌ترین و بامدارترین و کثرت‌گراترین روایت اسلام است»

(همان: ۵۲۴)، (تسامح‌آمیزترین)؛ «وقتی که درجهٔ دکتری گرفتم به صورت حرفه‌ای با ادبیات فارسی مشغول شدم» (همان: ۵۴۶)، (به ادبیات فارسی پرداختم)؛ «دیک دیویس در همین کتابش می‌گوید او از وقتی که به ایران مربوط شده است» (همان: ۵۴۷)، (از وقتی که با ایران رابطه داشته است).

#### ۵.۱.۴ سهوهای مضمونی

سهوهای مضمونی چندی بدین اثر راه یافته است که باعث گمراهی خواننده می‌شود و اطلاعات غلطی در اختیار او قرار می‌دهد. عمداً واژه «سهو» به کار برده شده است، زیرا قطعاً دکتر جوادی، که در این حوزه صاحب‌نظر است، نیک این موارد را می‌داند. در این بخش، نخست به ترتیب صفحه به سهوهای مضمونی سراسر کتاب پرداخته می‌شود، سپس در ذیل همان مورد توضیح لازم آورده می‌شود؛ «اکنون دیگر دانش غرب دربارهٔ شرق به منابع کلاسیک و انجیلی محدود نمی‌شود» (جوادی ۱۳۹۷: ۱۱). براساس گفته‌های نویسنده در صفحات قبل «منابع کلاسیک و توراتی» درست است. «انوار سهیلی» در سال ۱۶۶۴ به فرانسه ترجمه شد» (همان: ۴۴). تاریخ درست سال ۱۶۴۴ م است. «ترجمهٔ فرانسوی *انوار سهیلی* در سال ۱۶۴۴ به دست ژ. گولمن و داوود سعید در پاریس انتشار یافت و پس از آن نیز بارها تجدید چاپ شد. ناگفته نماند که *کلیده و دمنه* یک‌بار در سدهٔ شانزدهم میلادی (۱۵۷۰م) از روی ترجمه ایتالیایی آن به نام «فلسفه اخلاقی دونی» به زبان انگلیسی درآمده بود و ترجمهٔ فرانسوی *انوار سهیلی* نیز چنان‌که گفته شد، در سدهٔ هفدهم به نام «افسانه‌های پیل پای» به این زبان ترجمه شد. هم‌چنین در سدهٔ نوزدهم، *انوار سهیلی* دوبار از زبان فارسی به‌طور کامل به انگلیسی ترجمه و هر دو بار با یک عنوان انتشار یافت: *The lights of canopus*. بار نخست در ۱۸۵۴ به قلم [ادوارد] ایستویک و بار دوم در ۱۸۷۷ به دست [آرتور] ولاستون» (مجتبایی ۱۳۹۴). «جوزف چمپین بخش‌هایی از آغاز *شاهنامه* را به شعر ترجمه کرد و به سال ۱۸۷۵ در کلکته به چاپ رسانید» (همان: ۲۱۹) جوزف چمپین را باید اولین مترجم واقعی *شاهنامه* به انگلیسی دانست. ترجمهٔ او، با عنوان *اشعار فردوسی*، در سال ۱۷۸۵ منتشر شد. «دیک دیویس شاعری توانا و مترجم آثاری چون *منطق‌الطیر عطار* و *ویس و رامین* گرگانی و *رباعیات خیام* به شعر خوب انگلیسی است» (جوادی ۱۳۹۷: ۲۳۷). دیویس *رباعیات خیام* را ترجمه نکرده، بلکه بر ترجمهٔ فیتزجرالد مقدمهٔ مفصلی نوشته و تعلیقات بسیار سودمندی افزوده است که نخستین بار در سال ۱۹۸۹ انتشارات معتبر پنگوئن آن را چاپ کرد. از آن سال به بعد این ویرایش به دفعات چاپ

شده است و جوادی خود بدین موضوع اشاره کرده است: «[دیویس] ترجمه رباعیات فیتزجرالد را با حواشی و مقدمه مفصل در سال ۱۹۸۹ برای انتشارات پنگوئن چاپ کرده است» (همان: ۲۳۷).

«و با آوردن شواهد و مقایسه آن‌ها با مقدمه شاهنامه بومنصوری و تاریخ طبری و غرر و سیر ثعالبی» (همان: ۲۳۹). مراد از عبارت «غرر و سیر ثعالبی» غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم یا تاریخ ثعالبی ابومنصور ثعالبی نیشابوری (۳۵۰ - ۴۳۰ ق)، شاعر تازی‌گوی و نویسنده و تاریخ‌نگار ایرانی، است. این اثر در واقع ترجمه شاهنامه منشور ابومنصوری است که در فاصله سال‌های ۴۰۸ تا ۴۱۱ هجری قمری نگاشته شده است. «دیویس می‌خواهد شاهنامه را، مانند ایلید و داستان‌های گنجی ژاپونی» و نمایش‌نامه‌های شکسپیر، اثری مانند گار و جهانی معرفی کند» (همان: ۲۴۰). مراد «قصه گنجی» (The Tale of Genji) شاه‌کار داستان‌نویسی کلاسیک ژاپنی اثر بانویی به نام موراساکی شیکیبو (Murasaki Shikibu) در اوایل قرن یازدهم میلادی است که آرتور ویلی، بهترین مترجم انگلیسی ادبیات کلاسیک چینی و ژاپنی در نیمه اول قرن بیستم، آن را به جامعه انگلیسی درآورد است. «بعدها از طریق کاربن چهارده آزمایش کردند و معلوم شد که قدمت کاغذ آن کم‌تر از صد سال است» (همان: ۲۸۲). مراد «کربن چهارده» است.

«هرون ال در ترجمه‌ای که از رباعیات نسخه بادلیان کرده و آن‌ها را با ترجمه فیتزجرالد مقایسه نموده می‌گوید: فیتزجرالد را فقط به‌خاطر نبودن کلمه‌ای مناسب مترجم می‌خوانیم» (همان: ۲۴۹). این سخن هرن - ال نیست، بلکه او از چارلز الیت نورتن نقل می‌کند.

«عاقبت فیتزجرالد تصمیم گرفت کتاب را به خرج خود بدون نام مترجم در سال ۱۸۶۱ چاپ کند. او نسخه‌های اولین چاپ را بین دوستان خود پخش کرد و باقی را که حدود دویست نسخه بود، پیش کواریچ، یکی از ناشران سرشناس لندن، برای فروش به امانت گذاشت» (همان: ۲۹۴). در این جمله، دو ایراد دیده می‌شود؛ نخست این‌که اولین چاپ رباعیات خیام در سال ۱۸۵۹ و در ۲۵۰ نسخه بود. دوم، فیتزجرالد ۲۱۰ نسخه را نزد کواریچ کتاب‌فروش به امانت گذاشت، نه دویست نسخه:

سرانجام فیتزجرالد متوجه شد که مجله فریزر قصد چاپ اشعار را ندارد. فیتزجرالد دست‌نویسش را پس گرفت، چهل رباعی دیگر بدان افزود و سفارش داد تا ۲۵۰ نسخه از اشعار را چاپ و با کاغذ قهوه‌ای معمولی جلد کنند. چهل نسخه از آن را نزد خود نگه داشت. مابقی را به برنارد کواریچ، کتاب‌فروشی که تخصصش نشر و فروش آثار

شرقی بود، داد تا آن‌ها را برای فروش در مغازه‌اش، واقع در خیابان کسل، بگذارد (Terhune 1947: 206).

«فیتزجرالد نسخه اول رباعیات را در سال ۱۸۵۹ حاضر کرد و به ناشر مجله فریزر [ر] سپرد» (جوادی ۱۳۹۷: ۲۹۵). این سخن نادقیق است. فیتزجرالد در بهار ۱۸۵۸ بخشی از ترجمه رباعیات خیام (۳۵ رباعی) را برای مجله فریزر فرستاد و در ژانویه ۱۸۵۹ آن را پس گرفت. وی در ۹ دسامبر ۱۸۶۱ به و. ه. تامپسن در این باره نوشت:

[...] جان ویلیام پارکر جوان چند سال پیش از من تقاضای مطلبی برای درج در مجله فریزر کرد و من برخی از رباعیات کم تر کفرآمیز را بدو دادم که اگر دوست داشت از آن‌ها استفاده کند. او آن‌ها را یک سال بلااستفاده نگه داشت و چون متوجه شدم که آن‌ها را نمی‌خواهد، چندین نسخه از آن را نزد برنارد کواریچ چاپ کردم. چند نسخه را برای خودم نگه داشتم و مابقی را به او دادم. نسخه‌ای برای کاول فرستادم [...] من به فرد دیگری به جز جرج بارو و ویلیام دان نسخه‌ای ندادم (Arberry 1950: 20).

«چاپ دوم هفت سال پس از اولین چاپ در سال ۱۸۶۸ با همان ۷۵ رباعی در پانصد نسخه چاپ می‌شود» (جوادی ۱۳۹۷: ۲۹۸). این سخن نادرست است، زیرا چاپ دوم شامل ۱۱۰ رباعی بود. جالب این‌که نویسنده چند صفحه قبل به درستی آورده است: «در چاپ دوم تعداد رباعیات از ۷۵ به ۱۱۰ افزایش یافته است» (همان: ۲۸۵). «و برگردان آربری به صورت شعر پنج‌مصرعی انگلیسی بود که توسط لارنس هاوسمن در اوایل قرن بیستم محبوبیت یافته بود» (همان: ۳۱۰). مراد آلفرد ادوارد هاوسمن (۱۸۵۹ - ۱۹۳۶)، برادر لارنس هاوسمن و صاحب دفتر شعر جوان *شراب‌شایری* (۱۸۹۶)، است. گفتنی است که همین سهو به پاورقی انگلیسی همین صفحه نیز راه یافته است. «به نظر من باید از شیوه ترجمه *تورات* پیروی و حالت کلام شرقی را حفظ کرد» (همان: ۳۲۴). لفظ *تورات* دقیق نیست، بلکه منظور فیتزجرالد «کتاب مقدس نسخه شاه جیمز» یا «کتاب مقدس نسخه مجاز» است؛ همان ترجمه جمعی کتاب مقدس که به امر شاه جیمز اول (۱۶۰۴ - ۱۶۱۱ م) انجام شد: «بی‌تردید ترجمه [ادوارد] ایستویک از حیث نظم ضعیف است، به نظر هم او و هم [جیمز] راس (با هر دو ترجمه آشنا هستم) از لحاظ سبک ترجمه نثر به بی‌راهه رفته‌اند، زیرا بر آن بوده‌اند که فارسی فاخر را به انگلیسی فاخر ترجمه کنند، اما به نظر من باید از همان شیوه ترجمه کتاب مقدس استفاده کرد، و صبغه شرقی آن را حفظ کرد».

«این شعر نسبتاً کوتاه [هارون‌الرشید] به احتمال زیاد از گلستان و از حکایت مشهور 'شنیدم که در وقت نزع نوشیروان' اقتباس شده است» (جوادی ۱۳۹۷: ۴۱۶). در این جمله، سه اشتباه دیده می‌شود؛ اول، چنین داستانی با این جزئیات درباب هارون‌الرشید در گلستان سعدی نیامده است، اما این مضمون در گلستان و قصاید سعدی دیده می‌شود. دوم، مصراع منقول «شنیدم که در وقت نزع نوشیروان» مطلع آغازین حکایتی در بوستان سعدی است، نه در گلستان. سوم، در نقل این مصرع «شنیدم که در وقت نزع نوشیروان» سهوی رخ داده است و اصل آن در بوستان سعدی چنین است: «شنیدم که در وقت نزع روان/ به هرمز چنین گفت نوشیروان». جالب این‌که نویسنده همین حکایت را در صفحه ۷۲ نقل کرده و در آن خبری از سهوهای مذکور نیست.

۴. ۱. ۵. دوگانگی‌های مضمونی. در چند جای کتاب دوگانگی‌های مضمونی دریافت می‌شود که خواننده را به شک و تردید دچار می‌کند و او نمی‌داند به کدام یک اعتماد کند. البته، تعداد این موارد بسیار اندک است. در این قسمت، نخست به ترتیب صفحه این چند مورد ذکر می‌شود، سپس در ذیل همان مورد توضیحات لازم آورده خواهد شد. «در سال ۱۸۳۵ انگلیسی و زبان‌های محلی جای‌گزین فارسی در ادارات و محاکم دادگستری و هم‌چنین زبان آموزش و پرورش گردید» (جوادی ۱۳۹۷: ۱۶۰) و «در سال ۱۸۲۸ زبان انگلیسی زبان رسمی در هند شد» (همان: ۳۴۸). تاریخ درست ۱۸۳۷ است: «نگاه و روش انگلیسی‌محور در سال ۱۸۳۵ به پیروزی چشم‌گیری رسد و آن‌گاه در اوج برتری، در سال ۱۸۳۷، به جای‌گزینی زبان رسمی دولتی از فارسی به انگلیسی موفق شد» (فیشر ۱۳۸۲: ۳۱۵). «بزرگ‌ترین اثر او تاریخ ادبی/ایران است که در چهار جلد از ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۴ چاپ شده است» (جوادی ۱۳۹۷: ۱۶۸). «ادوارد براون اولین جلد تاریخ ادبی خود را به زبان انگلیسی در ۱۹۰۱ و جلد چهارم آن را در ۱۹۲۴ منتشر کرد» (همان: ۴۵۹). «اما بزرگ‌ترین اثر علمی براون تاریخ ادبیات مشهور اوست که اولین جلد آن در ۱۹۰۲ و چهارمین جلد آن در ۱۹۲۴ پایان یافت» (همان: ۴۷۰). تاریخ درست سال ۱۹۰۲ است. «در سال ۱۹۳۶، او [بزل بانتینگ] چهار نقد کتاب و نیز شعر پسران فریدون را برای چاپ در مجله کراتیریون فرستاد، ولی الیوت فقط دو نقد کتاب را چاپ کرد» (همان: ۴۳۱) و آورده است: «این ترجمه [پسران فریدون] را نخست الیوت در مجله کراتیریون منتشر کرد» (همان: ۴۴۴). روایت اول درست این است که ت. س. الیت شعر «پسران فریدون» بزل بانتینگ را در مجله کراتیریون چاپ نکرد. روایت دوم درست این است که ت. س. الیت شعر «پسران فریدون» بزل بانتینگ را در مجله کراتیریون چاپ کرد: «باین‌همه، اولین ترجمه او قطعه

بلندی از شاهنامه، با عنوان «از پسران فریدون»، بود: که ت. س. الیوت آن را در نشریه ادواری وزین کرایتیرین (آوریل ۱۹۳۶) منتشر کرد» (Loloi 2013). «این بار خواسته است پنجاه غزل از حافظ را در کتابی با عنوان چهره‌های عشق: حافظ و شعرای شیراز ترجمه کند» (جوادی ۱۳۹۷: ۵۴۲) و «وی [در کتاب چهره‌های عشق: حافظ و شعرای شیراز] از حافظ نیز ۷۴ غزل و ۵ رباعی ترجمه کرده» (همان: ۵۴۳). دیویس در کتاب مذکور در مجموع ۷۳ غزل از حافظ ترجمه کرده است.

## ۲.۴ نکات تکمیلی

در این بخش، به ترتیب صفحه، نکات تکمیلی یا نکات از قلم‌افتاده به‌زعم نگارنده این مقاله ارائه می‌شود. این نکات در دو بخش مجزا عرضه می‌شود.

۱. از شیوه‌های مؤلف در این کتاب است که در جای‌جای کتاب به آثار مرتبط به این حوزه، که به فارسی ترجمه شده‌اند، اشاره کند و همین برای بسیاری از خوانندگان کمک‌رسان و مفید است. تا آن‌جا که بررسی شده چند نمونه از این آثار مهم جا مانده است. در ابتدا، این آثار بر شمرده می‌شود. سپس، نام اثر و مترجم آن در پرانتز ذکر می‌شود. این آثار به ترتیب صفحه عبارت‌اند از ص. ۳: شرق‌شناسی اثر ادوارد سعید (شرق‌شناسی، لطفعلی خنجی)؛ ص. ۸: ایرانی‌ها اثر آشیل (پارس‌ها، محمدعلی اسلامی ندوشن)، و (پارسیان، عبدالله کوثری)؛ ص. ۱۱: داستان‌های کتربوری اثر جفری چاسر (قصه‌های کتربوری، محمداسماعیل فلزی)، (حکایت‌های کتربوری، علی‌رضا مهدی‌پور)؛ ص. ۴۸: تاریخ رسالس اثر ساموئل جانسن (داستان راسلاس شه‌زاده حبشه، مهید ایرانی‌طلب)؛ ص. ۱۴۲: فرانکشتین اثر پرسی شلی، (فرانکشتاین، محسن سلیمانی)؛ ص. ۱۴۲: مانفرد اثر لرد بایرن، (مانفرد، الهام نیلچیان)؛ ص. ۱۷۱: تصاویری از ایران اثر گرتروود بل، (تصاویری از ایران، بزرگمهر ریاحی)؛ ص. ۲۳۱: حماسه‌سرایی در ایران اثر تئودر نولدکه (حماسه ملی ایران، بزرگ علوی)؛ ص. ۲۳۲: فردوسی در تبعید اثر ادموند گاس، (فردوسی در تبعید، منوچهر امیری)؛ ص. ۲۳۹: حماسه و خدعه (حماسه و آشوب، سهراب طاوسی)؛ ص. ۳۶۶: عاشق خانم چترلی (فاسق لیدی چترلی، محمدعلی شیرازی)، ص. ۳۹۰: ایرانیان در میان انگلیسی‌ها اثر سر دنیس رایت (ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، کریم امامی)؛ ص. ۴۷۷: تاریخ ادبیات عرب (تاریخ ادبیات عرب، کیواندخت کیوانی)؛ ص. ۴۷۸: یک ایرانی پیش‌رو دانت (سنایی پیش‌رو ایرانی دانت) ترجمه عباس اقبال، و یک ایرانی پیش‌قدم بر دانت ترجمه مسعود فرزاد)؛ ص. ۴۸۵: شیراز شهر عارفان و شاعران اثر آ. ج. آربری

(شیراز مهد شعر و عرفان، منوچهر کاشف)؛ ص. ۴۸۷: پنجاه شعر از حافظ اثر آرتور آربری؛ ص. ۴۹۱: قصیده نصرانیة خاقانی (شرح قصیده ترساییه خاقانی، عبدالحسین زرین‌کوب)؛ ص. ۴۹۵: سیاست‌مدار یا دکتر جادوگر اثر والتر هنینگ (زرتشت، سیاست‌مدار یا جادوگر، کامران فانی).

۲. در این بخش به نکاتی اشاره می‌شود که از قلم‌افتاده‌اند و به نظر خلاً آن‌ها محسوس است. نخست این موارد به ترتیب صفحه ذکر می‌شود، سپس در ذیل هر مورد نکته تکمیلی یا از قلم‌افتاده آورده خواهد شد: ص. ۷: «چاسر در پایان داستان راهب به جنگ کورش و کرزوس پرداخته»، ص. ۱۱: «ابن سینا جزو دانشمندان و فیلسوفان مسلمانی است که آثار آن‌ها را دکتر فیزیک در داستان‌های کتربوری اثر مشهور چاسر (مقدمه، ابیات ۴۳۰ - ۴۳۶) مطالعه کرده است». به‌گفته نویسنده، در آثار جفری چاسر فقط دو اشاره بالا به فرهنگ و ادبیات پارسی آمده است. گفتنی است که بین تعدادی از داستان‌های حکایات کتربوری و ادب کلاسیک پارسی، مانند «حکایت آمرزش فروش» که در *مرزبان‌نامه* آمده و با اندک تفاوتی در تفسیر *سورآبادی*، *نصیحة الملوک غزالی*، *مصیبت‌نامه عطار*، و یکی از نسخ هزار و یک شب (مینوی ۱۳۸۳: ۸۵) و «حکایت نسقچی» که یادآور ثبات آن زن پاک‌دامن است که در *الهی‌نامه عطار* است، مشابهت‌های مضمونی برقرار است که احتمالاً در زمان جنگ‌های صلیبی روانه اروپا شده‌اند و از ره‌گذر زبان‌های میانجی به دست خوانندگان انگلیسی‌زبان رسیده‌اند. اما، تطبیق گران «حکایت ارباب» و «حکایت بازارگان» را، که همان حکایت داستان «زن و امرودین» مذکور در دفتر چهارم *مثنوی مولوی* است و با اندک اختلافی در مجموعه *دکامرون بوکاجو*، که یکی از مأخذ روایت چاسر هم هست، و در *بهار دانش عنایت‌الله و هزار و یک شب* نیز آمده است، تحت‌تأثیر ادب کلاسیک پارسی دانسته‌اند (Beard 2011: 443).

ص. ۳۶: «یکی صوفی از سر جان دنام و دیگری *میرزا* از رابرت بارون است». پروین لؤلویی، تطبیق‌گر پرمایه ایرانی، این دو اثر را با عنوان *دو نمایش‌نامه از قرن هفدهم* (۱۹۹۸) در دو مجلد ویراسته و روانه بازار کرده است. ص. ۴۱: به شعر «محمدعلی بیگ، وزیر باوفا» اثر ویلیام سامرویل اشاره شده است. این داستان از داستان‌های کلاسیک پارسی است که به افراد متعددی نسبت داده شده و در آثار کلاسیکی مانند *اسرارالتوحید*، *مصیبت‌نامه*، و *مثنوی* نیز آمده است. ص. ۶۴: «تامس هاید» یک رباعی منسوب به خیام را به لاتینی برگردانده است. مراد این رباعی است: «ای سوخته سوخته سوختنی / ای آتش دوزخ از تو فروختنی؛ تا کی گویی که بر عمر رحمت کن؟ / حق را تو کجا به رحمت آموختنی؟». ص. ۹۷: «از جمله مقالات جالب آن تحقیق مفصلی است از کاپیتان ویلیام کرک پتربیک



درباره شاعران ایران». ویلیام کرک پتریک در این مقاله قصیده معروف انوری با مطلع «به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر/ نامه اهل خراسان به بر خاقان بر» را با عنوان *اشک‌های خراسان* ترجمه کرده است.

ص. ۷۸: «ترجمه کوتاه دیگری از جونز اغلب در مجموعه شعرهای انگلیسی نقل می‌شود که اصل آن از شاعری ایرانی است، ولی نام او ذکر نشده است: آن شنیدم که وقت زادن تو/ همه خندان بُدند و تو گریان. تو چنان زی که گاه مردن تو/ همه گریان شوند و تو خندان». این رباعی سروده اوحدی کرمانی است. ص. ۱۳۷: «اصل داستان [محمود] از *نگارستان* است و آن را لی هانت از فرهنگ بزرگ *دربلو برداشته است*. این داستان با این جزئیات در *جوامع‌الحکایات عوفی* (۱۳۸۲: ۷۳) با عنوان «سلطان محمود و مرد دادخواه» نیز آمده است. افزون‌بر آن، داستان مذکور در *تاریخ سیستان* (عوفی ۱۳۸۲: ۱۴۰-۱۴۱) نیز آمده و به یعقوب لیث صفار هم نسبت داده شده است.

ص. ۱۳۷: «هانت شعر خود [ابن‌ادهم] را براساس آن [مدخلی در کتاب‌خانه شرقی بارتلمی *دربلو*] نوشته است». نویسنده به درستی *تذکره‌الاولیای عطار* را سرچشمه الهام سرایش این شعر می‌داند. ناگفته نماند که علاوه بر این منبع الهام شرقی برخی از منتقدان بخشی از *انجیل متی* را سرچشمه الهام این اثر دانسته‌اند. در *انجیل متی*، باب ۲۲ آیات ۳۶ - ۳۹، ذیل قسمتی موسوم به بزرگ‌ترین حکم چنین آمده است:

فرسیان چون بشنیدند که عیسی دهان صدوقیان را بسته، گرد هم آمدند و یکی از ایشان بهر گرفتارکردن او از وی پرسید: استاد، بزرگ‌ترین حکم شریعت کدام است؟ عیسی او را گفت: خداوند خدای خویش را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی ذهن خویش دوست بدار. این است بزرگ‌ترین و نخستین حکم. حکم دوم همانند آن است: هم‌نوع خویش را چون خویشان دوست بدار. تمامی شریعت و کتاب‌های پیامبران وابسته به این دو حکم است (Ternur 1961: 175).

ص. ۱۳۹: «این داستان [جعفر برمکی] هم تا حدی مشهور است». به گفته جوادی، لی هانت این شعر را از کتاب‌خانه شرقی *دربلو* گرفته است، ولی جوادی به اصل فارسی آن اشاره‌ای نکرده است. اصل این داستان در *جوامع‌الحکایات عوفی* (۱۳۸۲: ۲۱۹ - ۲۲۲) با عنوان «برکت برمکیان» آمده است.

ص. ۱۴۱: «این داستان [ابراهیم و آتش‌پرست]، که جامی هم آن را به‌نظم درآورده، از باب دوم *بوستان* است». علاوه بر منابع مذکور، این داستان در *جوامع‌الحکایات عوفی* (همان: ۲۱۰) با عنوان «حضرت ابراهیم و پیر بت‌پرست» آمده است. ص. ۱۴۱: «داستان

یهودی اسپانیولی [سروده لانگفلو مأخوذ از داستان عزرائیل و سلیمان] دفتر اول مثنوی مولاناست». افزون بر منبع مذکور، این داستان در *جوامع‌الحکایات عوفی* با عنوان «حضرت سلیمان و مرد اجل رسیده» (همان: ۳۶۴) نیز آمده است. در ص ۱۶۱ - ۱۸۵ که مربوط به ایران از دیدگاه سیاحان انگلیسی در قرون هجدهم و نوزدهم است یک سفرنامه مهم از قلم افتاده است؛ سفرنامه رابرت بنینگ. اهمیت سفرنامه بنینگ در این است که ادوارد فیتزجرالد از آن بهره‌ها برد و بیش‌تر یادداشت‌های خود بر ترجمه رباعیات خیام را با مراجعه به همین اثر دو جلدی فراهم آورد.

ص. ۱۸۳: «یگانه هنرمند انگلیسی مشهوری که به ایران آمد و طرح‌ها و نقاشی‌های بسیاری از ایران کشید سر رابرت کر پورتر بود». افزون‌بر کر پورتر باید از نقاش و شاعر انگلیسی، فرد ریچاردز، نیز یاد کرد:

در سال ۱۹۳۰، در ایران سیاحتی کرده است و به نشاپور رفته و قبر خیام را زیارت کرده و در سفرنامه بسیار خواندنی و جذاب خویش (که هم‌راه با تصاویر هنرمندانه خوب از کار خود او در لندن در ۱۹۱۳ چاپ شده است) شرح خوبی نوشته و از این زیارت خود گزارشی داده است (مینوی ۱۳۸۳: ۳۴۳).

در ص. ۲۵۶ - ۲۵۹ که درباب ادوارد بایلز کاول است به‌نظر می‌رسد که حق مطلب ادا نشده است. ادوارد بایلز کاول از جمله نخستین مروجان جدی و توانمند زبان و ادبیات پارسی در انگلستان عصر ویکتوریا بود. درکل، می‌توان کوشش‌ها و فعالیت‌های او را در این زمینه به دو دسته کلی تقسیم کرد. کاول هم در معرفی و ترجمه و هم در ترویج و تدریس زبان و ادبیات پارسی در این دوره اهتمام داشت. وی ازسویی ترجمه گزیده‌ای از آثار شاعران بزرگی مثل حافظ و خیام را به انگلیسی ترجمه کرد و ازسوی دیگر، در تدریس زبان و ادبیات فارسی به بزرگانی مانند ادوارد فیتزجرالد و الفرد لرد تینسن سهم مهمی داشت.

ص. ۲۷۶: «*منطق‌الطیر* را دیگران نیز ترجمه کرده‌اند: ماسانی از پارسیان هند و نات». تاآن‌جاکه دانسته است، شش ترجمه، گزیده، و کامل از *منطق‌الطیر* عطار به انگلیسی چاپ شده است که به ترتیب تاریخ انتشار عبارت است از ۱. ادوارد فیتزجرالد (*انجمن مرغان*، اولین بار با عنوان *گزیده‌ای از انجمن مرغان عطار*، ۱۸۸۹)؛ ۲. ر. ه. مسنی (۱۹۲۴)؛ ۳. مارگرت اسمیت (۱۹۳۲)؛ ترجمه اسمیت در کتاب *عرفای ایرانی: عطار*، صفحات ۳۴ - ۶۴، به سال ۱۹۳۲ در لندن منتشر شد؛ ۴. چارلز استنلی نات (۱۹۵۴)، چاپ دوم برکلی (۱۹۷۱)؛ ۵. دیک دیوس و افخم دربندی (۱۹۸۴)، بازچاپ (۲۰۱۱)؛ ۶. پیتر ایوری، *سخن مرغان*

(۱۹۹۸) است. ص. ۲۸۰: «و بعد از ترجمه فیتزجرالد کلمه 'رباعیات' وارد زبان انگلیسی شد». باید اضافه کنم که علاوه بر کلمه «رباعیات»، قالب رباعی با طرح قافیه «آ، آ، ب، آ» و با عنوان «بند/ قالب خیامی» نیز وارد شعر انگلیسی شد و شاعرانی مانند سوینبرن و دیویس در این قالب جدید طبع آزمودند.

در ص. ۳۲۶ - ۳۴۶، که مربوط به ترجمه‌های انگلیسی حافظ است به ترجمه‌های ادوارد بایلز کاول از غزلیات حافظ اشاره نشده است. در حالی که کاول برخی از غزلیات حافظ را به نظم و نثر ترجمه کرده و «ترجمه‌های او، با وجود تحت‌اللفظی بودن، نثری روان دارند و در زمره بهترین ترجمه‌های عصر ویکتوریا (۱۸۳۷ - ۱۹۰۱) هستند» (لؤلؤیی ۱۳۹۵: ۷۶). ص. ۳۴۹ - ۳۵۱ به سر هنری رالینسن و مهم‌ترین دستاورد او، کشف خط میخی، اختصاص یافته است. دیوید دمراش در کتابی به نام *کتاب مدفون* (۲۰۰۷) نشان داده است که بخش اعظم موفقیت رالینسن مرهون تلاش‌های هرمزد رسام و جرج اسمیت بود، اما در نهایت همه چیز به نام او سکه زده شد:

متأسفانه با گذشت زمان انگلیسی‌ها زحمات و کشفیات او [هرمزد رسام] را کم‌رنگ جلوه دادند و بعضاً تکذیب کردند و دستاوردهای شگرف او را به سر هنری رالینسن و دیگران نسبت دادند و مقامش را تا حد دست‌یار جسور رالینسن پایین آوردند (حسینی ۱۳۹۳: ۱۵۰).

در ص. ۳۷۱ - ۳۷۹، که درباره ترجمه و گزیده‌های ادب فارسی است، چند جُنگ و گزیده مهم از قلم افتاده است که به ترتیب انتشار عبارت است از *منشی فارسی* (۱۸۰۱) فرنسیس گلدوین، *گل‌هایی از ادب پارسی* (۱۸۰۹) اثر ساموئل رسنو، و *اشعار پارسی: گزیده‌های از ترجمه‌های منظوم* (۱۹۵۴) اثر آ. ج. آربری. ص. ۳۷۴ - ۳۷۵ به لوئیزا استوارت کاستلو می‌پردازد. در این قسمت دو نکته مهم از قلم افتاده است: یکی، فضلِ تقدم او بر فیتزجرالد است، زیرا او نخستین کسی بود که مجموعه‌ای از *رباعیات خیام* را به انگلیسی ترجمه کرد؛ دیگر این‌که او گزیده *رباعیات خیام* را در قالبی منظوم درآورد و بعدها فیتزجرالد این طرح را از او وام گرفت. ص. ۳۹۱ - ۴۰۳ به تأثیرپذیری الفرد لرد تنیسن از شعر پارسی می‌پردازد. در این بخش، چند شعر تنیسن، که تحت تأثیر صور خیال عرفانی حافظ سروده شده، از قلم افتاده است: مانند «دختر باغبان»، «رؤیا»، «چشم‌انداز گناه»، «به یادبود» و «حکایت عاشق». ص. ۴۰۴ - ۴۱۱ درباره رابطه الف والدو امرسن و شعر پارسی است. در این بخش، به شعرهای امرسن مانند «باکوس»، «ابوالهول»، «مهرداد»، «همه

چیز را به عشق بسپار»، و «خاستگاه»، که تحت تأثیر شعر حافظ سروده شده، اشاره‌ای نشده است. ص. ۴۱۷: «لانگفلو فارسی نمی‌دانست، باین‌همه ترجمه‌هایی دارد که هم زیبا و هم دقیق‌اند. یکی از آن‌ها تقلید و ترجمه زیبایی است از شعر مشهور سعدی: بنی‌آدم اعضای یک‌دیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند». این قطعه موجز شعر مستقلی نیست، بلکه بخشی از همان شعر معروف «کراموس»، مصاربع ۲۹۸ - ۳۰۱، است. ضمناً ترجمه پارسی آن چنین است: همه کسانی که بر این زمین پهناور سکونت دارند/ در هر مرتبه و دارای هر ارزشی باشند/ از بدو ولادت، با یک‌دیگر خویشاوند و پیوسته‌اند/ و از یک خاک و گل سرشته‌اند (یوسفی ۱۳۷۷: ۲۶۶).

## ۵. نتیجه‌گیری

کتاب حاضر در میان تک‌نگاری‌های در دست این حوزه به زبان فارسی و انگلیسی، که تعداد آن‌ها به زحمت از انگشتان یک دست تجاوز می‌کند و پیش از این معرفی شدند، از حیث جامعیت و شمول منحصر به فرد است. تنها کتابی که با آن قابل مقایسه است، اثر ج. د. یوحنان است، اما کتاب یوحنان، با آن‌که از حیث دقت و روش‌مندی بی‌نظیر است، فقط یک دوره دویست‌ساله را در بر می‌گیرد، حال آن‌که کتاب جوادی یک دوره پانصدساله را شامل می‌شود. کتاب حاضر به درستی در حوزه مطالعات ادبیات تطبیقی، به‌ویژه قلمرو مطالعات اثرگذاری و اثرپذیری قرار می‌گیرد و جوادی به‌درستی اصول و مبانی این حوزه را به‌خدمت گرفته است. برای مثال، بنگرید به فصل‌های سوم، پنجم، و هفتم. نقدهای نگارنده این مقاله به نقائص صوری و محتوایی کتاب جوادی فقط برای ارتقای این اثر ممتاز است. جای دریغ است که نقائصی نه چندان جدی بر اعتبار چنین کتاب محققانه‌ای سایه افکند. در مجموع، کتاب تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی پژوهشی است استادانه و عالمانه، و دستاوردی عمری سخت‌کوشی و نکته‌سنجی تطبیقی‌گری برجسته و نکته‌بین. بی‌گمان، خواندن این اثر پرمایه و پرمحتوا برای دوستاران و علاقه‌مندان ادبیات پارسی و انگلیسی و تطبیقی ضرورت دارد.

## کتاب‌نامه

پراور، زیگبرت سالمن (۱۳۹۳)، *درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی*، ترجمه علیرضا انوشیروانی و مصطفی حسینی، تهران: سمت.

جوادی، حسن (۱۳۹۶)، *تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی*، تهران: سمت.  
حسینی، مصطفی (۱۳۹۳)، «کتاب مدفون: گم‌شدن و بازیابی حماسه مشهور گیلگمش»، *ادبیات تطبیقی*،  
پیاپی ۹.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹)، *از کوچۀ رندان*، تهران: سخن.  
صفاری (صورتگر)، کوکب (۱۳۵۷)، *افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی؛ در ادبیات انگلیسی در سده‌های  
هجدهم و نوزدهم میلادی تا سال ۱۸۵۹*، تهران: دانشگاه تهران.  
طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۲)، *سیر فرهنگ ایران در بریتانیا یا تاریخ دو بیست‌ساله مطالعات ایرانی*، تهران:  
انجمن آثار ملی.

علوی، بزرگ (۱۳۶۶)، «تأثیر نوشته‌های فارسی در ادبیات انگلیسی»، *ایران‌نامه*، س ۵، ش ۳.  
عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۸۲)، *گزیده جوامع‌الحکایات و لوازم‌الروایات*، تهران: علمی و فرهنگی.  
فیشر، مایکل (۱۳۸۲)، «آموزش زبان فارسی در انگلستان»، ترجمه علیرضا شمالی، *ایران‌نامه*، س ۲۱،  
ش ۳.

لؤلؤیی، پروین (۱۳۹۵)، «ترجمه‌های حافظ به انگلیسی»، مترجم، س ۲۵، ش ۶۰.  
مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۹۵)، «داستان‌های هندی در ادب فارسی»، حکمت و معرفت، ش ۸:  
<<http://www.ettelaathekmatvamaarefat.com>>.

محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۵)، *خاکستر هستی*، تهران: مروارید.  
مینوی، مجتبی (۱۳۸۳)، *پانزده گفتار*، تهران: توس.  
یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۹)، *چشمه روشن*، تهران: علمی.

Arberry, A. J. (1959), *The Romance of the Rubaiya*, London: George Allen.

Beard, M. (2011), "Translations of Classical Persian Literature", *Iranica*, vol. VIII, Fasc. 4.

Davis, D. (2001), "Edward FitzGerald, Omar Khayyam, and the Tradition of Verse Translation into English (pp. 1-14)", In *FitzGerald's Rubáiyát of Omar khayyám: Popularity and Neglect*, Adrian. Poole, Christine van Ruymbeke, William H. Martin, and Sandra Mason (eds.), London and New York: Anthem Press.

Heron-Allen, E. (1898), *Some Sidelights upon Edward FitzGerald's Poem, The Ruba'iyat of Omar Khayyám*, London: H.S. Nichols ltd.

Loloi, P. (2013), "Basil Cheesman Bunting":

<<http://www.iranicaonline.org/articles/bunting-basil-cheesman>>.

Terhune, A. M. (1947), *The Life of Edward Fitzgerald*, New Haven: Yale University Press.

Turner, J. (1961), *Poetry for Overseas Students*, London: Harper Ltd.

Yohannan, J. D. (1977), *Persian Poetry in England and America: A 200-Year History*, New York: Caravan Books.